

دوفصلنامه علمی- تخصصی «پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه»

شماره پنجم، پاییز و زمستان ۱۳۸۹: ۱۲۲-۱۰۱

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۱۰/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۰۸/۱۷

بررسی رابطه میزان هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان دهدشت

* محبوبه پاینده

** فروزنده جعفرزاده پور

چکیده

امروزه به مسئله هویت از جنبه‌های گوناگون، از سوی متفکران و نظریه‌پردازان بسیاری در منابع علمی توجه شده است. دلایل و فرضیه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی به ویژه در سطح جوانان، اهمیت رسیدگی علمی به موضوع فوق را افزایش داده است. با توجه به بافت جمعیت جوان کشور و ترکیب بالای جمعیت جوان و کارکرد غیر قابل انکار سیاسی و اجتماعی آنها در روند تحولات عمومی ضرورت مطالعه، پیرامون چگونگی تکوین شخصیت اجتماعی آنان ابعاد خاصی دارد. نظر به اهمیت روز افزون مسئله جوانان، از دیدگاه جامعه‌شناختی به بررسی هویت ملی و قومی جوانان پرداخته شده است.

در این مقاله به بررسی این سؤالات پرداخته شده است: ۱. میزان گرایش و هویت قومی در بین جوانان دهدشت چقدر است؟ ۲. میزان گرایش به هویت ملی در بین جوانان دهدشت چقدر است؟ ۳. آیا بین میزان هویت قومی و هویت ملی جوانان رابطه وجود دارد؟ روش تحقیق، پیمایشی است و با استفاده از تکنیک پرسشنامه به جمع آوری اطلاعات پرداخته شده است. جامعه آماری جوانان سن ۲۰ تا ۲۷ سال ساکن شهر دهدشت است. نمونه‌گیری طبقه‌ای و تصادفی ساده با حجم نمونه ۳۸۰ نفر انتخاب شده است. نتایج نشان می‌دهد افراد دارای هویت‌های گوناگونی هستند و این هویت‌ها لزوماً در مقابل همدیگر قرار نمی‌گیرد.

افراد از هویت‌های گوناگون خود به عنوان بسته‌های اطلاعاتی استفاده کرده و در موقعیت‌های کنشی متفاوت از آنها سود می‌جویند. هویت ملی و قومی نیز دو نوع هویت جمعی هستند که افراد در طی فراگرد اجتماعی شدن، آنها را درونی کرده و جزئی از شخصیت خود می‌سازند و از آنان در موقعیت‌های مناسب استفاده می‌نمایند. بنابراین، افراد تناقضی بین این دو نوع هویت درک نمی‌کنند

واژه‌های کلیدی: هویت ملی، هویت قومی، جوانان، دهدشت.

Mahboob2543@yahoo.com

* نویسنده مسئول: مدرس گروه جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور واحد دهدشت

** استادیار گروه جوانان و مناسبات نسلی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی

Fjafarzadehpour77@gmail.com

مقدمه

جوامع بشری هر چند همواره دارای نوعی وفاق اجتماعی و انسجام کلی هستند ولی افراد آن از نظر سنی، جنسی، شغلی، نژادی، قومی، مذهبی، متفاوت از همدیگرند و این تفاوت باعث ایجاد گروه‌های اجتماعی متنوعی در جوامع می‌شود. بنابراین، هر جامعه‌ای جدا از فرهنگ عام و مورد قبول افراد گروه‌های مختلف اجتماعی، خرده فرهنگی‌هایی متناسب با وضعیت گروهی خود دارد. از مهمترین وجوه تمایز جوامع کنونی که در عرصه‌های مختلف علوم انسانی از جمله علوم سیاسی، روان‌شناسی، و جامعه‌شناسی درباره آن مطالعه شده است، تفاوت‌های قومی و شکل‌گیری گروه‌های قومی و هویت قومی و ارتباط آن با وفاق اجتماعی یا هویت ملی است. مسئله مهم در این پژوهش تمایز یا تفاوت‌های درون جامعه و ارتباط آن با وفاق اجتماعی، یکی از اساسی‌ترین و مهمترین موضوعات جامعه‌شناسی است که از بدو پیدایش آن تا زمان حاضر بخش بزرگی از کارهای جامعه‌شناختی را به خود اختصاص داده است. در واقع چقدر خرده فرهنگ‌ها می‌توانند در انسجام و وفاق اجتماعی مؤثر باشند؟ و آیا هویت ملی متمایز از هویت قومی است؟ گرایش به هویت قومی بیشتر است یا هویت ملی؟ و آیا رابطه‌ای با هم دارند؟ صاحب‌نظران بر این باورند که هویت قومی امری متأخر نسبت به هویت ملی است و هویت ملی زائیده دنیای مدرن است. کشور ایران گستره جغرافیایی پهناوری است که از درازنای تاریخ تاکنون مأمن اقوام مختلف بوده است و اقوام مذکور با داشتن تنوع‌های فرهنگی، قومی و زبانی برای پیشرفت و ترقی این سرزمین تلاش نموده‌اند. در حقیقت هویت قومی یکی از صورت‌های هویت جمعی است که عامل فرهنگ نه تنها در شکل‌گیری آن نقش تعیین‌کننده دارد، بلکه در تداوم، تغییر یا از بین رفتن آن نیز عامل اصلی است. بررسی گروه‌های قومی در ایران بیانگر این واقعیت است که دو عنصر فرهنگی، یعنی زبان و دین بیش از عناصر دیگر در تعیین هویت قومی دخالت دارد. شک نیست که هویت ملی هر ملت در درجه نخست زائیده محیط جغرافیایی آن ملت است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی که اقوام ایرانی را از سایر اقوامی که در دیگر نقاط جهان زندگی می‌کنند، متمایز می‌کند این نکته بسیار اساسی است که اقوام ایرانی ریشه در خاک ایران زمین داشته ولی تفاوت‌هایی در سایر ابعاد و مؤلفه‌های هویت آنان وجود دارد؛ این در حالی است که در بسیاری از نقاط جهان منظور از اقوام، گروه‌ها و اقوام مهاجری هستند که از سایر سرزمین‌ها به سرزمین مقصد آمده‌اند. بنابراین، می‌توان بیان داشت که اقوام ایرانی در حقیقت ایرانیانی هستند که در کنار دارا بودن بسیاری از مؤلفه‌های هویت ملی، ویژگی‌های فرهنگی خاصی نیز دارند. محققین بررسی‌هایی را درباره هویت قومی و تأثیر توسعه بر آن انجام داده‌اند و

نتایج حکایت از آن دارد که «نیروهای توسعه‌دارای مولدهایی هستند که ممکن است موجب از دست دادن هویت قومی یا تجدید حیات قومی شوند» (گودرزی، ۱۳۸۰: ۲۱۹).

بعضی از مطالعات انجام شده در بررسی رابطه هویت ملی و قومی نشان داده‌اند که هویت قومی هم‌سوی هویت ملی و تقویت‌کننده آن است. در حالی که دسته دیگری از مطالعه‌های انجام شده هویت ملی را در تعارض با هویت قومی مطرح کرده‌اند. یافته‌های مذکور از نتایج مطالعات دربارهٔ اقوام مختلف است.

مطالعه حاضر تلاش دارد به بررسی رابطه بین هویت ملی و قومی قوم لر در ایران پرداخته و وضعیت موجود را شناسایی و توصیف کند.

قوم لر یکی از اقوام بسیار کهن ایرانی است که دارای ریشه‌های عمیق تاریخی در ایران هستند و در ساختن تاریخ ایران نقش مهمی ایفا کرده‌اند.

در این تحقیق به بررسی رابطه میزان گرایش به هویت قومی و میزان هویت ملی جوانان دهدشت پرداخته می‌شود. در این باره سؤالاتی مطرح شده و سعی شده به آنها پاسخ داده شود. این سؤال‌ها عبارت‌اند از:

۱. میزان گرایش به هویت قومی بین جوانان دهدشت چقدر است؟

۲. میزان گرایش به هویت ملی در بین جوانان دهدشت چقدر است؟

۳. آیا بین میزان هویت قومی و میزان هویت ملی جوانان رابطه‌ای وجود دارد؟

تحقیق حاضر در صدد این است که میزان هویت قومی و هویت ملی را سنجیده و ارتباط میان آنها را بررسی کند و مهمتر اینکه این مقاله جوانان قوم لر (دهدشت) را مطالعه می‌کند. تاکنون تحقیقی در این باره و در این منطقه انجام نگرفته، بنابراین این پژوهش اهمیت ویژه‌ای دارد و نتایج حاصل از آن می‌تواند تأثیر یا عدم تأثیر هویت قومی را بر انسجام ملی سنجیده و همچنین به تبیین وضعیت موجود کمک کند.

هویت و هویت جمعی

هویت در اصل «هو هویت» است و به معنی اتحاد به ذات است؛ در اتحاد به ذات معنی ائتلاف و شناخته شدن، یکی بودن موصوف با صفات اصلی و جوهری مورد نظر است؛ زمانی که از هویت پدیده‌ای سخن به میان می‌آید، باید آن سخن طوری باشد که نشان دهد پدیده مزبور به راستی گویای هیئت و ماهیت وجودی خویش است (الطایی: ۱۳۷۹: ۳۴) به‌طور کلی هویت در دو سطح فردی و جمعی مطرح است.

در جامعه‌شناسی هویت جمعی و جامعه‌ای مطرح می‌شود. اینکه هر گروه و جامعه‌ای دارای یک هویت خاصی است که آن گروه و جامعه را از گروه‌ها و جوامع دیگر متمایز می‌کند. این هویت جمعی را که شیوه مشترک در نحوه تفکر، احساسات، و تمایلات یک گروه است، افراد از طریق سازوکارهای جامعه‌پذیری درونی می‌کنند و باعث می‌شود نوعی احساس تعهد و تکلیف نسبت به گروه در فرد برانگیخته شود. هویت اجتماعی و گروهی، مجموعه‌ای از خصوصیات و مشخصات اجتماعی فرهنگی، روانی، فلسفی، زیستی، تاریخی است که بر یگانگی یا همانندی اعضای آن دلالت می‌کند و آن را در یک ظرف زمانی و مکانی معین به طور مشخص، قابل قبول و آگاهانه از سایر گروه‌ها متمایز می‌سازد (جنکینز، ۱۳۸۵: ۵).

تاجفل، هویت اجتماعی را با هویت گروهی پیوند می‌زند و عضویت گروهی را متشکل از سه عنصر می‌داند:

۱. عنصر شناختی (آگاهی از اینکه فرد به یک گروه تعلق دارد).
۲. عنصر ارزشی (فرض‌هایی درباره پیامدهایی ارزشی مثبت یا منفی عضویت گروهی).
۳. عنصر احساسی (احساسات نسبت به گروه و به افراد دیگری که رابطه‌ای خاص با آن گروه دارند).

بر این اساس هویت اجتماعی از دیدگاه تاجفل عبارت است از آن بخش از برداشت یک فرد از خود که از آگاهی او نسبت به عضویت در گروه‌های اجتماعی سرچشمه می‌گیرد و همراه با اهمیت ارزشی و احساسی منضم به آن عضویت از شخص که از لحاظ روان‌شناختی و اجتماعی کیست و چه جایگاهی دارد (تاجیک، ۱۳۸۴: ۵۲).

هویت جمعی ویژگی‌هایی است که باعث ایجاد «ما» می‌شود و این گروه تحت عنوان ما، از گروه‌های دیگر متمایز می‌شود. هویت جمعی باعث ایجاد انسجام و یکپارچگی گروه اجتماعی می‌شود، به طوری که آن گروه اجتماع کل فراتر از اعضای خود یک کل منسجمی را تشکیل می‌دهد.

هویت جمعی، در بین اعضای گروه، نوعی احساس تعلق نسبت به گروه ایجاد می‌کند و باعث می‌شود که فرد به عنوان عضوی از یک گروه نسبت به سایر اعضای گروه تعلق خاطر احساس کرده و ارزیابی مثبتی از آنها داشته باشد.

هویت جمعی در طول تاریخ، تغییر و تکامل می‌یابد. بالاترین سطح هویت جمعی در هر کشوری هویت جامعه‌ای یا هویت ملی است.

پایین‌تر از هویت جامعه‌ای، هویت‌های کوچک گروهی مثل هویت قومی و هویت نقشی و هویت‌های گروهی ارادی مثل هویت حزبی، هویت اتحادیه‌ای و صنفی و... قرار دارند. بالاتر از

سطح هویت جامعه‌ای و ملی هویت‌های فراملی و فراجامعه‌ای قرار دارند؛ مثل هویت‌های دینی و هویت‌های جهانی و فراملی و... که تنها از یک جامعه نیستند و به جوامع مختلف تعلق دارند.

افراد خود را در سطوح و لایه‌های مختلف اجتماعی مقوله‌بندی می‌کنند و این تغییر سطح مقوله‌بندی باعث می‌شود که فرد آنچه در یک لایه خود و گروه خود را متفاوت از دیگران می‌بیند در یک سطح دیگر به تشابهاتشان با آنها پی ببرند و نتیجه از این مباحث می‌توان گرفت اولاً: چون مقوله بندی در متن‌های اجتماعی مختلفی صورت می‌گیرد، فرد در هر متن اجتماعی یک هویت اجتماعی خاصی کسب می‌کند. بنابراین دارای هویت‌های متنوعی می‌شود، بدون اینکه این هویت‌ها در تضاد هم باشند.

ثانیاً، تشکیل درون گروه در لایه‌های اجتماعی متفاوت بر اساس مقایسه‌های با بیرون گروه‌های همان لایه اجتماعی صورت می‌گیرد. مثلاً وقتی فرد خود را از لحاظ قومی مقوله‌بندی می‌کند تشکیل یک درون گروه قومی بر اساس مقایسه با اقوام دیگر به وجود می‌آید، نه لایه‌های اجتماعی بالاتر.

بدین منوال فرد با توسل به وابستگی‌های گروهی‌اش، به هویت‌های گوناگونی دست می‌یابد فرد در لایه‌های مختلف اجتماعی و هویت‌های مختلفی را کشف می‌کند. هنگامی که در یک لایه اجتماعی به کنش متقابل می‌پردازد، هویتی را ملاک کنش متقابل قرار می‌دهد که در آن لایه اجتماعی کشف و برای خود بازسازی کرده است. زمانی که یک فرد از قوم «لر» (به عنوان عضوی از یک گروه قومی) با یک «فارس» یا «ترک» در کنش متقابل قرار می‌گیرد،

این فرد در این لایه اجتماعی به تشابهات خود با قوم لر و تفاوت‌های خویش با اقوام دیگر تکیه می‌کند و بر اساس هویت قومی خود که متفاوت از هویت قومی دیگران است، با فرد کنش متقابل انجام می‌دهد. ولی در یک لایه بالاتر ممکن است این فرد به تشابهات خود با گروه‌های قومی دیگر پی ببرد و این زمانی است که فرد با یک غیر ایرانی مثل (آمریکایی) کنش متقابل انجام می‌دهد.

بنابراین، هویت فرد در کنش متقابل اجتماعی ظاهر می‌شود که این کنش در لایه‌های اجتماعی مختلف صورت می‌گیرد. این لایه‌های اجتماعی به صورت پیوستاری است که در یک طرف آن خردترین سطح هویت‌یابی قرار دارد. و در طرف دیگر آن کلان‌ترین سطح هویت‌یابی فرد. فرد با هویت‌های مختلفی در لایه‌های مختلف اجتماعی با دیگران وارد کنش متقابل می‌شود. هویت‌های گوناگون که فرد درونی کرده است، مانند بسته‌های اطلاعاتی کنش متقابل اجتماعی هستند برای هر لایه اجتماع بسته اطلاعاتی مخصوص وجود دارد.

فرد از هویت‌های جمعی گوناگون به عنوان بسته‌های اطلاعاتی کنش متقابل اجتماعی استفاده می‌کند. او در هر موقعیت کنش از هویت خاص آن موقعیت کنش سود می‌جوید.

در این صورت ابعاد گوناگون هویت فرد در طول همدیگر قرار دارند و بدین دلیل است که فرد می‌تواند هویت‌های گوناگونی را که درونی کرده است، بدون هیچ گونه تعارضی در کنار هم قرار دهد، آنها را جزئی از شخصیت کلی خویش تلقی کند. ابعاد مختلف هویت فرد لزوماً و منطقاً با همدیگر متعارض نیستند و فرد تعارضی بین هویت‌های گوناگون خود درک نمی‌کند.

هویت ملی

واژه ملت در زبان فارسی دارای معانی مختلفی است. گاهی به معنای دین و گاهی به معنای پیروی کنندگان دین به کار می‌رود. و مترادف با واژه ملت است، گاهی نیز به معنی گروه و قوم به کار می‌رود. این واژه در زبان فارسی معادل انگلیسی **nation** است که از واژه لاتینی **natio** مشتق شده است. این واژه دلالت بر مردمانی دارد که از راه ولادت با همدیگر نسبت دارند و از یک قوم و قبیله هستند ولی این تعریف در جریان شکل‌گیری دولت-ملت‌های مدرن تغییر یافته است، زیرا حوادث تاریخی مردمانی را که از اقوام گوناگون بوده‌اند گرد هم آورده و از آن یک ملت به وجود آورده است بنابراین، دیگر نمی‌توان ملت را بر اساس نژاد و تبار شناسایی کرد. چون مللی چند نژادی و چند تباری به وجود آمده است (اشرف، ۱۳۷۲: ۸).

آنتونی اسمیت^۱ نیز به منشأ قومی ملت و ناسیونالیسم عقیده دارد. او در تلاش برای حل مسئله انتخاب میان یک نظریه طبیعی با یک نظریه مدرن راجع به منشأ ملت‌ها، مفهوم اجتماع قومی^۲ را برمی‌گزیند. او دو نوع ملت را از هم متمایز می‌کند. «ملت سرزمینی» که مبنای خود را از مفهومی مرتبط با سرزمین می‌گیرد و از جمله مشخصات آن پایبندی به قوانین و نهادهای حقوقی است و «ملت قومی» که مبتنی بر مفروضات است راجع به اصل و نسب‌ها و دودمان مشترک (گبیرنا، ۱۳۷۸: ۸۶).

برای عرضه تعریف جامع و مانع از ملت که از یک طرف همه ابعاد آن را شامل شود و از طرف دیگر مانع ورود گروه‌های دیگر شود باید تعریف ترکیبی از تعاریف فوق صورت گیرد. گبیرنا تعریف جامع ملت را چنین بیان می‌کند:

«ملت یک گروه انسانی است که از تشکیل اجتماع خود آگاه است؛ گذشته‌ای مشترک و طرحی برای آینده و ادعای حق حاکمیت بر خود دارد. از این رو ملت شامل پنج بعد اصلی است: بعد روان‌شناسانه (آگاهی از تشکیل گروه)، بعد فرهنگی، بعد سرزمینی، بعد سیاسی و بعد تاریخی (همان: ۸۱).

بر اساس تعریف که از ملت بیان شد هویت ملی نیز به مشخصات و ویژگی‌های گفته می‌شود که یک جامعه را از جوامع دیگر متمایز می‌کند و در جامعه نوعی انسجام کلی ایجاد می‌کند. این مشخصات و ویژگی‌ها را می‌توان از درون تعریف ملت به دست آورد. هویت ملی عبارت است از ویژگی‌هایی که ابعاد پنج‌گانه ملت در هر جامعه خاص به خود می‌گیرد. مثلاً بعد روان‌شناختی مخصوص یک ملت، فرهنگ و آداب و رسوم متمایز از فرهنگ ملل دیگر، سرزمین و قلمرو مخصوص یک ملت و نظام سیاسی و ویژگی‌های سیاسی و اتفاقات تاریخی یک ملت، هویت ملی آن ملت را تشکیل می‌دهد.

گرچه هویت ملی به عنوان یک پدیده اجتماعی و سیاسی نوزاد عصر جدید است ولی باید توجه داشت که این بدین معنا نیست که قبل از تکوین آن هیچ‌گونه هویت جمعی که مردم را در یک اجتماع واحدی یکپارچه کند وجود نداشته است؛ بی‌تردید آدمی از آن زمان که به هیئت اجتماعی در آمد، همواره نگران هویت جمعی خویش بوده است.

از این رو از همان آغاز قوی‌ترین و منبسط‌ترین گفتمان‌های خود را پیرامون این مقوله دسته‌بندی کرده است (تاجیک، ۱۳۷۹: ۱۶۱).

هویت جمعی قبل از هویت ملی مدرن، ریشه در احساس تعلق به طایفه، تیره و قبیله و قوم دارد. احساس قومیت و ایلیت از ریشه‌های اصلی ملیت‌گرایی است و می‌توان از آن به نوعی ناسیونالیسم ابتدایی یا بدوی یاد کرد.

علاوه بر اجتماعات مبتنی بر هویت قومی، هویت‌های فرا قومی نیز در اثر به وجود آمدن ادیان جهانی مثل اسلام و مسیحیت، امپراتوری‌های زبان و ادبیات مشترک بین اقوام مختلف شکل می‌گیرد (اشرف، ۱۳۷۳: ۵۲۵).

اریک هابسباوم^۱ از منتقدان برجسته ناسیونالیسم و تعصب ملی اعتقاد دارد که هویت ملی بسیاری از ملل امروزی پایه و اساس تاریخی ندارد و چند صباحی از ساختن قباله ملی برای آنان نمی‌گذرد.

او ادعا می‌کند که جز کشورهای چین، کره، ویتنام، ایران و مصر که دارای هویت تاریخی و موجودیت بالنسبه دایمی و قدیمی بوده‌اند، بسیاری از ملل دیگر موجودیتی نداشته‌اند که با معیارهای نوین ملت بتوان بر آنها نام ملت نهاد (همان: ۵۲۳).

هویت قومی

هویت قومی از نوعی آگاهی سرچشمه می‌گیرد. آگاهی اعضای یک گروه قومی از تفاوت در

مؤلفه‌های هویت قومی از قبیل تبار و اجداد مشترک افسانه‌ای یا واقعی، آگاهی تاریخی مشترک، فرهنگ مشترک مخصوصاً زبان و دین مشترک، یک نام مشترک، با گروه‌های قومی دیگر که این آگاهی باعث نوعی انسجام درونی در گروه می‌شود.

هویت قومی از ترکیب متنوع مؤلفه‌های قومیت به وجود می‌آید. و حتی در بسیاری از موارد تنها یک مؤلفه متفاوت باعث ایجاد نوعی هویت قومی می‌شود. بنابراین، در بین اقوام مختلف مؤلفه‌های قومیت متفاوت بوده و در هر گروه قومی، هر یک از مؤلفه‌ها دارای درجات اهمیت متفاوتی هستند.

فرد، هویت قومی را در طول اجتماعی شدن مستمر از جامعه اخذ کرده و درونی می‌کند و هویت قومی نیز همچون هویت ملی بخشی از هویت کلی فرد را تشکیل می‌دهد. هویت قومی باعث ایجاد نوعی حس همبستگی در درون گروه می‌شود و افراد یک گروه قومی نسبت به همدیگر احساس تعلق می‌کنند.

دیدگاه‌های نظری هویت از منظر جامعه‌شناسان

اگوست کنت جامعه را از دو منظر ایستایی و پویایی تحلیل می‌کند و در مبحث پویایی اجتماعی، طبق قانون مراحل سه گانه تفکر و یا اندیشه همه طرز فکرها و فرهنگ‌ها را مشمول روند عام گذار تدریجی و خطی از دو مرحله زبانی و فلسفی و ورود به مرحله نهایی اثباتی یا علمی می‌داند. جوامع در هر یک از این مراحل تاریخی دارای یک هویت جمعی ویژه‌ای هستند و به این طریق به تکامل می‌رسند. از دیدگاه او سه عنصر باعث ایجاد انسجام اجتماعی می‌گردد ۱. زبان ۲. دین ۳. تقسیم کار. این سه عنصر باعث همبستگی اجتماعی می‌گردد (ادیبی و انصاری، ۱۳۵۸: ۴۲).

دورکیم دیگر اندیشمند جامعه‌شناس، بر نظم اجتماعی تأکید می‌کند. از نظر او نظم اجتماعی باعث وفاق اجتماعی می‌گردد. او معتقد است که افراد بر اثر عواطف اجتماعی در مناسک اجتماعی گردهم می‌آیند و این باعث انسجام اجتماعی می‌گردد. او همبستگی و مکانیکی ارگانیکی را مطرح می‌کند.

مکتب کهن‌گرایی^۱

این مکتب تأکید می‌کند که قومیت و ناسیونالیسم پدیده‌ای دیرین و کهن هستند. از مفهوم کهن‌گرایی، بیشتر برای توصیف ریشه‌ها و استحکام وابستگی‌های قومی استفاده شده است.

کهن‌گرایان دو ادعای اساسی دارند. ولی اینکه ملت‌ها و ناسیونالیسم پدیده‌های کهن هستند و دوم اینکه طبیعی و بنابراین جهان مشمول‌اند. کسانی که بر جنبه‌های کهن قومیت تأکید می‌ورزند، به وجود نوعی ارتباط میان قومیت و خویشاوندی و نیز روابط قومی - عاطفی میان مردمی که اجداد مشترک و گاه سرنوشت مشترک معتقدند، هویت قومی در اینجا عنصر اساسی و محوری تحول شخصیت تلقی می‌شود که ارتباط نزدیکی با تصور «خود» مراحل اولیه جامعه‌پذیری، آموزش زبان با اعتقادات مذهبی و سیاسی دارد (احمدی، ۱۳۷۸: ۱۴۳). کلیفور دگیدنز روابط کهن را در مفهومی فراتر از روابط خویشاوندی به کاربرد و آن را با گروه‌های بسیار بزرگ مانند گروه‌های متکی به سرزمین، زبان، مذهب یا سایر سنت‌های مشترک ارتباط داد. از نظر او در بسیاری از ملت‌های در حال تکوین، تنها معمار تشخیص واحدهای سیاسی خون، زبان، نژاد و تعلق به یک محل همه اجرای وابستگی‌های کهن است که از آنها در صورت لزوم برای تعریف گروه‌های سیاسی استفاده می‌شود تا در سطح سیاست‌های ملی مطرح شوند. این گروه‌ها برای به دست گرفتن دولت با یکدیگر رقابت می‌نمایند. وحدت (سیاسی) زمانی تحقق می‌پذیرد که واحدهای بزرگ‌تر بر پایه علایق و روابط کهن اولیه ایجاد شود.

دربارهٔ چگونگی تعامل هویت‌های قومی پس از مهاجرت نظریات متفاوتی وجود دارد. اولین نظریه و نظریه کوره مذاب^۱ بر این عقیده است مهاجران پس از تماس با جامعه و فرهنگ جدید به تدریج فرهنگ خود را از دست داده و در فرهنگ جامعه جدید می‌پذیرند بدین ترتیب نسل مهم مهاجرت بشدت از فرهنگ و ارزش‌های جامعه میزبان پیروی می‌کنند (احمدی، ۱۳۸۳). نظریه کوره مذاب تا مدت‌ها در ارتباط با هویت قومی و جامعه مبدا علاقه نشان داده و به آن گرایش دارند بنابراین محققین به ویژه در ارتباط با جامعه چند قومی آمریکا نظریه ظرف سالاد^۲ را مطرح نموده‌اند. دنی لاکورون در کتاب برجسته‌اش، بحران هویت / امریکایی می‌گوید که آمریکا میان دو مفهوم در نوسان است: رویای دیگ در هم جوش (کوره مذاب)،... و مفهوم جدید ظرف سالاد که متفکری از یاد رفته بنام هوراس کالن ابداع کرد (شایگان، ۱۳۸۰).

لیپهارت در تحقیقی که در زمینه تأثیر توسعه بر هویت‌های قومی انجام داده، در نهایت به این نتیجه رسیده است که توسعه ممکن است در مراحل نخستین دارای آثار یکنواخت کننده‌ای باشد. اما در مراحل پایانی چنین اثری ندارد (رمضان‌زاده، ۱۳۷۶، ج ۲: ۲۳۲) پارمینگ و چونگ معتقدند: توسعه دارای دو تأثیر همزمان است و منشأ اصل مدرنیزاسیون انسداد و انفتاح هویت قومی است. نیروهای توسعه دارای مولدهایی هستند که ممکن است موجب از دست دادن هویت قومی یا تجدید حیات قومی شوند (گودرزی، ۱۳۸۰) مثال واضح آن قوم‌گرایی و هویت قومی در

کشور ماست. برخلاف دیگر کشورها که نوگرایی شکاف‌های موجود را ترمیم کرد، در ایران برعکس نوگرایی موجب تشدید تنش‌های قومی هویتی شد و موارد فراوانی از صفحه‌های سیاسی را به خشنونت کشید (ایوبی، ۱۳۷۷).

نظریه بسیج اجتماعی

این نظریه بیشتر متکی بر آرای کارل دویچ و همفکران اوست. بر اساس این نظریه میزان موفقیت بسیج اجتماعی در سطح کل جامعه بستگی به درصد جمعیتی دارد که در معرض جلوه‌های نوگرایی به شرح زیر قرار گرفته‌اند:

جلوه‌های مهم زندگی جدید

تغییر مکان

شهرنشینی

صنعت

نرخ سواد

نرخ تولید سرانه ملی

در سطح فردی نیز بنابر اظهار دویچ نرخ نوگرایی بستگی به میزان پذیرا بودن شخص و همبستگی وی با جلوه‌های فوق دارد. به کلامی دیگر، دویچ معتقد است به میزانی که ظرفیت فرد نسبت به پذیرش تجربه‌های جدید افزایش یابد، به همان نسبت میزان نوگرایی او نیز بیشتر خواهد بود (گودرزی، ۱۳۸۵: ۱۸۴). این نظریه و سایر نظریه‌های نوسازی چنین طرح می‌کنند که در فرایند نوسازی و توسعه سیاسی، به تدریج گرایش‌های قومی کم رنگ شده و قشربندی‌های اکتسابی مانند عضویت در احزاب سیاسی، صنف‌ها و سندیکاها، شغلی، حرفه‌ای، علمی،... جای آن را خواهد گرفت. بدین سان تمایزات قومی - نژادی و سایر علایم سنتی و انتسابی از مرکز به حاشیه رانده خواهد شد. این نظریه تا دهه شصت قرن بیستم نظریه عام و مورد قبول اکثریت بود، اما در خلال این مدت، کشورهای زیادی مراحل توسعه همه جانبه را پشت سر نهاده بودند و در عین حال هنوز هویت‌های قومی و تمایزات قومی و تمایزات فرهنگی در آنها پایداری می‌کرد. علاوه بر آن از دهه هفتاد قرن بیستم، جهان مواجه با خیزش دوباره هویت‌های قومی - مذهبی و ظهور ناآرامی‌های فرقه‌ای شد.

دویچ در نظریه بسیج اجتماعی به روندی معتقد است که کلیه تعهدات اجتماعی، اقتصادی و روانی کهنه جای خود را به الگوی جدید رفتاری و اجتماع‌گرایی خواهند داد (سیف‌زاده، ۱۳۷۳: ۵۸). بسیج اجتماعی، به نحوی که کارل دویچ به کار گرفته، عبارت است از روندی که در آن مجموعه‌های عمده تعهدات اجتماعی، اقتصادی و روانی کهنه ریشه‌کن شده یا در هم شکسته شده باشد و مردم آمادگی پذیرفتن الگوهای جدید رفتاری و اجتماع‌گرایی را پیدا نمایند. بنابر

این، بسیج اجتماعی در برگیرنده تعداد انبوهی از انسان‌های عضو یک جامعه سنتی است که به سوی مدرن و نوگرا شدن تحول یافته‌اند. پس این تحول در دو سطح اتفاق می‌افتد:

۱. در شکستن و زیر و رو نمودن عادت‌ها، عرف‌ها، ارزش‌ها و به طور کلی الگوی وفاداری‌های گذشته.

۲. هدایت انسان‌های بسیج شده به سوی عضویت در گروه‌ها و سازمان‌های جدید و رهایی آنان از گروه‌ها و تعهدات سابق.

نظریه نوسازی

یکی از بحث برانگیزترین نظریه‌ها در حوزه علوم اجتماعی نظریه نوسازی است. این نظریه هم تحت نفوذ و آرای کارل دویچ است. جامعه‌شناسان درباره نوسازی به معنای ترکیبی از جریاناتی شامل صنعتی شدن، شهری شدن، افزایش ارتباطات و شبکه‌های حمل و نقل و همانند آن، بحث کرده‌اند. آنها معتقدند که شروع موج نوسازی در خلال حذف تمامی نشانه‌ها و خصلت‌های سنتی جامعه، به حذف هویت‌های قومی نیز منجر می‌شود. صاحب نظران این نظریه معتقدند که نوسازی موجب کاهش پیشرفت فناوری، رشد عقلانیت، غیر دینی شدن باورها و اعتقادات، الزامات زندگی شهری و سرعت نظام‌های ارتباطی می‌شود که به طور کلی زمینه‌های کاهش اختلافات در نشانه‌های اجتماعی را فراهم می‌سازد. افراد جامعه با زندگی در جامعه‌های مشابه، خواسته‌ها و اهداف و آرزوهای مشابه و کسب درآمد در ساختار اجتماعی مشابه، به ناچار بالاترین ارزش را به موفقیت‌های اکتسابی می‌دهند. بدین ترتیب وابستگی‌های انتسابی در یک جامعه قادر به ادامه حیات نیستند. این حرکت‌های اقتصادی-اجتماعی با جریان سیاسی تشکیل دولت‌های ملی و کشورها تقویت خواهند شد. در نتیجه همبستگی بیشتر شهری و یگانگی بیشتر فرهنگ که دولت ابراز می‌کند، جانشین قومیت و وابستگی‌های قومی می‌شود.

نظریه استعمار داخلی

مسئله مورد تأکید در این نظریه تعارضات قومی و جذب و ادغام اقوام است. مفروضات اصلی این نظریه چنین است: موج نامتوازن مدرن سازی در کشورها دو گروه را به وجود می‌آورد: گروه پیشرفته و گروه کمتر پیشرفته. در نتیجه این مزیت اتفاقی آغازین، منابع و قدرت بین دو گروه به شکلی نامساوی توزیع می‌شود که حاصل آن شکل گیری اقتصاد مرکز و سوی دیگر است. گروه پیشرفته، تخصیص نقش‌های اجتماعی را به گونه ای تنظیم می‌کند که نقش‌های پر اعتبارتر به اعضای آن تعلق می‌گیرند. برعکس، اعضای گروه کمتر پیشرفته از دسترس به این نقش‌ها محروم می‌شود. هچتر این نظام قشربندی را «تقسیم کار فرهنگی» می‌نامد. از طرف دیگر،

این روند ممکن است عملاً از طریق سیاست‌های تبعیض آمیز- نظیر ایجاد دسترس متفاوت به نهادهای اهدا کننده نظیر نهادهای آموزشی، مذهبی یا نظامی نیز اجرا شود. تقسیم کار فرهنگی باعث می‌شود که افراد خود را با گروهشان باز شناسند و موجب رشد هویت قومی متمایز می‌گردد (گودرزی، ۱۳۸۵: ۱۸۷).

در حوزه علوم اجتماعی یکی از رویکردهای مسلط، دلالت بر وجود ارتباط معکوس بین میزان هویت قومی و ملی دارد. به این معنی که هرچقدر میزان هویت قومی افراد جامعه بیشتر شود، میزان هویت ملی و وفاق اجتماعی و میزان هویت ملی و میزان انطباق با فرهنگ کل کمتر خواهد شد و افزایش هویت‌های قومی تهدیدی برای وفاق اجتماعی و انسجام کل محسوب می‌شوند (میرمحمدی، ۱۳۷: ۷). در مقابل چنین رویکردی برخی از محققان با استفاده از نظریات مربوط و پیمایش‌های میدانی به این نتیجه رسیده‌اند که هویت ایرانی نوعی هویت ترکیبی است که عناصر و اجزای آن رابطه‌ای هم افزا و مثبت با یکدیگر دارند. صدیق و حاجیانی در توضیح این ویژگی نوشته‌اند:

«در مجموع می‌توان گفت از دیدگاه مکتب کنش متقابل نمادین، هویت معادل خود است و هویت اجتماعی که مبتنی بر اشتراکات افراد گروه یا جامعه است، ناظر بر من مفعولی است. من مفعولی تحت تأثیر ارزش‌ها، ساخت‌ها، قواعد و نظام‌های اجتماعی بوده و ماهیتی متغیر و متحول و ترکیبی دارد. خود، همچنین تحت تأثیر قدرت و فرهنگ است (کارن، ۱۹۹۷: ۳۹۱). تعامل بین هویت (عاملیت) و ساختار اجتماعی در نظریه مید، گافمن و حتی فروید از طریق تصویرسازی از خودمان، تعاملات روزمره و ناخودآگاه شکل می‌یابد (وودوارد، ۲۰۰۰: ۲۱). بر این اساس و به دلیل اتخاذ این رویکرد و پذیرش تأثیرپذیری هویت (خود) از ساخت‌های اجتماعی، مید و سایر نظریه‌پردازان بر ترکیبی بودن، تنوع و وجود خودهای متکثر توجه داشتند (کوزر، ۱۳۶۸: ۴۹۹)» (صدیق سروستانی و حاجیانی، ۱۳۸۷: ۳۸).

چند بعدی بودن هویت ایرانی و تعامل در اجزای آن بر اساس نظریه کنش متقابل نمادین قابل تفسیر است: «بر مبنای نظریه کنش متقابل نمادین، وجود تنوع در هویت و چند ضلعی بودن آن، قابل توجیه و تبیین است. در واقع این نظریه تمهیدات لازم را برای پذیرش واقعیت هویت ترکیبی فراهم می‌سازد؛ زیرا بر این نکته تأکید دارد که خود، ماهیتی باز دارد و افراد بر اساس مواضع و پایگاه‌های اجتماعی متنوع خود و نیز فرایندهای جامعه‌پذیری، می‌توانند وجوه متعددی را شاکله هویتی خود ایجاد کنند و میان آنها سازگاری به وجود آورند. بر اساس این نظریه، کنشگران می‌توانند بین ابعاد مختلف هویتی خود تعادل برقرار نمایند.

بر این نکته نیز باید تأکید کرد که هویت جمعی تحت تأثیر ساخت قدرت و نظام فرهنگی (به ویژه رسانه) شکل می‌گیرد؛ بنابراین، هویت جمعی، ماهیتی ترکیبی دارد و نوع ترکیب آن در جامعه ایران به شکل چند بعدی نزدیک است. همچنین باید اضافه کرد که میان این ابعاد، هماهنگی، تعامل و تعادل وجود دارد؛ هر چند این فرض مانع از آن نیست که افراد در هر موقعیت خاص و در جریان عمل جاری خود؛ هویتی معین را به طور مقطعی فرا بخوانند» (همان: ۳۹).

جامعه آماری

بر طبق سرشماری سال ۱۳۷۵ از جمعیت جوان ۴۵۷۵۰ نفر با استفاده از فرمول حجم نمونه ۳۸۰ نفر تعیین شد. با فرض بر اینکه جوانان پس از اتمام دوره متوسطه عمومی دارای هویت انسجام یافته‌تری هستند در مطالعه حاضر جوانان در سن ۲۰-۲۷ سال شهر دهمدشت (کهگیلویه) انتخاب شدند و به صورت نمونه‌گیری تصادفی پرسشنامه را پر کردند و با استفاده از نرم افزار (SPSS) به تجزیه و تحلیل آن پرداخته شده است.

فرضیات تحقیق

به طور کلی اصلی‌ترین فرضیه این تحقیق عبارت است از اینکه:

بین میزان گرایش به هویت ملی و میزان گرایش به هویت قومی رابطه معنی‌داری وجود دارد. سایر فرضیات جزئی این مسئله عبارت‌اند از:

۱. بین میزان گرایش به هویت ملی و میزان گرایش به زبان و ادبیات قومی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

۲. بین میزان گرایش به هویت ملی و میزان گرایش به موسیقی سنتی قومی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

۳. بین میزان گرایش به هویت قومی و میزان گرایش به میراث فرهنگی ملی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

۴. بین میزان گرایش به هویت قومی و گرایش به زبان و ادبیات ملی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

تعریف مفاهیم

گرایش به هویت ملی: به معنی ارزیابی مثبت یا منفی فرد از ابعاد و مؤلفه‌های هویت ملی و نیز میزان احساس پایداری و دلبستگی و تعهد به هویت ملی و تقبل نقش‌های اجتماعی در جهت تقویت یا تضعیف آن است.

گرایش به هویت قومی: به معنی ارزیابی مثبت یا منفی فرد از ابعاد و مؤلفه‌های هویت قومی و میزان احساس پایبندی و دلبستگی و تعهد به هویت قومی و تقبل نقش‌های اجتماعی مشخص در جهت تقویت تضعیف آن است.

گرایش به زبان و ادبیات ملی (فارسی): این مؤلفه متشکل از سه گویه است: میزان ضرورت یادگیری زبان فارسی به عنوان زبان مشترک در نزد فرد، میزان آشنایی فرد با آثار جاویدان ادبیات فارسی چون شاهنامه فردوسی، مثنوی معنوی، دیوان حافظ، گلستان سعدی، و میزان مطالعه آنها از جانب فرد است. تحلیل روایی و آلفای کرونباخ گویه‌های مربوط در جدول آورده شده است که هرچند تا حدودی ضعیف است ولی قابل قبول است.

گرایش به میراث فرهنگی: مؤلفه میراث فرهنگی از ابعاد مختلفی چون اعیاد و مراسم ملی، نمادهای ملی مانند سرود ملی و پرچم ملی، موسیقی سنتی تاریخی تشکیل می‌شود. گرایش فرد بدان سنجیده می‌شود. که عبارت‌اند از: میزان علاقه و اعتقاد به اجرای مراسم سنتی مثل عید نوروز، چهارشنبه سوری، میزان علاقه به موسیقی سنتی، میزان احترام فرد به سرود ملی و پرچم ملی، میزان اهمیت شناخت تاریخ ایران نزد فرد، میزان افتخار نسبت به گذشته تاریخی ایران، میزان اهمیت مرمت آثار باستانی نزد فرد. تحلیل روایی و آلفای کرونباخ گویه‌های مربوط به مؤلفه گرایش به میراث فرهنگی در جدول آورده شده است که در حد مطلوب و قابل قبول است.

وابستگی ملی: گرایش فرد از به ایران و ایرانی را می‌سنجد که عبارت‌اند از: میزان آمادگی خود برای دفاع از سرزمین و میهن در موقع خطر، میزان علاقه فرد به زندگی در ایران نسبت به سایر نقاط جهان، میزان اهمیت یکپارچگی و وحدت مردم ایران نزد فرد، میزان درون‌افکنی مشکلات کشور به عنوان جزیی از مشکلات خود، اهمیت ایرانی بودن برای فرد، میزان احساس غرور فرد به نوع رابطه با دیگر قومیت‌ها. تحلیل روایی و آلفای کرونباخ گویه‌های مربوط به مؤلفه وابستگی ملی در جدول آورده شده است که در حد مطلوب و قابل قبول است.

گرایش به زبان و ادبیات قومی: برای اندازه‌گیری این شاخص از چهار گویه سود جستیم که عبارت‌اند از: اهمیت یادگیری زبان لری در نزد فرد، میزان علاقه فرد به یادگیری زبان لری، ضرورت آموزش زبان لری به عنوان جزئی از برنامه‌های آموزش و پرورش، آشنایی آثار ادبی لری، داشتن آن آثار در خانه و میزان مطالعه آنها. تحلیل روایی و آلفای کرونباخ گویه‌های مربوط به گرایش به زبان و ادبیات قومی در جدول آورده شده است که در حد مطلوب و قابل قبول است.

گرایش به موسیقی سنتی قومی: برای اندازه‌گیری این مؤلفه از سه گویه استفاده شده است: میزان علاقه به موسیقی سنتی لری، میزان علاقه و احترام به مهترها به عنوان حافظان موسیقی سنتی، اهمیت دعوت از خوانندگان موسیقی سنتی و مهترها به مراسم و جشن‌ها در نزد فرد.

تحلیل روایی و آلفای گرونباخ گویه‌های مربوط به گرایش به موسیقی سنتی لری در جدول آورده شده است که در حد مطلوب و قابل قبول است.

وابستگی قومی: برای اندازه‌گیری میزان وابستگی قومی از چهارگویه استفاده کرده‌ایم. این گویه‌ها عبارت‌اند از: میزان علاقه فرد به ارتباط با اقوام خود، میزان درون فکنی مشکلات موجود در بین افراد قوم لر به عنوان مشکلات شخصی، میزان اهمیت لر بودن برای فرد، میزان احساس غرور فرد از لر بودن خود. تحلیل روایی و آلفای گرونباخ گویه‌های مربوط به میزان وابستگی قومی در جدول آورده شده است که در حد مطلوب و قابل قبول است.

مؤلفه‌ها و گویه‌ها

هویت ملی

گرایش به زبان و ادبیات فارسی: ۱. گرایش به یادگیری زبان فارسی به عنوان زبان مشترک
۲. گرایش به آشنایی فرد با آثار جاویدان ادبیات فارسی مثل شاهنامه، مثنوی، دیوان حافظ، ... ۳.
گرایش به مطالعه آنها

گرایش به میراث فرهنگی: ۱. میزان علاقه و اعتقاد به اجرای مراسم سنتی مانند عید نوروز،
چهارشنبه سوری ۲. میزان علاقه به موسیقی سنتی ۳. میزان احترام فرد به سرود ملی و پرچم ۴.
گرایش به شناخت تاریخ ایران نزد فرد ۵. گرایش به افتخار نسبت به گذشته تاریخی ایران ۶.
میزان اهمیت مرمت آثار باستانی در نزد فرد

وابستگی ملی: ۱. گرایش به آمادگی فرد برای دفاع از میهن در موقع خطر ۲. گرایش به
زندگی در ایران نسبت به سایر نقاط جهان ۳. میزان اهمیت یکپارچگی و وحدت مردم ایران ۴.
میزان درون افکنی مشکلات کشور به عنوان جزیی از مشکلات خود ۵. اهمیت ایرانی بودن ۶.
گرایش به احساس غرور در ارتباط با دیگر قومیت‌ها

هویت قومی

گرایش به زبان و ادبیات قومی: ۱. گرایش به یادگیری زبان لری ۲. میزان علاقه به فراگیری
زبان لری ۳. گرایش به ضرورت آموزش زبان لری ۴. آشنایی با آثار ادبی لری ۵. گرایش به
داشتن آثار ۶. مطالعه آثار

گرایش به موسیقی سنتی: ۱. گرایش و علاقه فرد به موسیقی سنتی لری ۲. گرایش و علاقه
و احترام به مهترها ۳. گرایش به دعوت از خوانندگان موسیقی مراسم جشن‌ها.

وابستگی قومی: ۱. گرایش و علاقه فرد به ارتباط با اقوام خود ۲. میزان درون فکنی مشکلات موجود در بین افراد قوم لر ۳. میزان اهمیت لر بودن برای فرد ۴. گرایش به احساس غرور در ارتباط با دیگر قومیت‌ها

جدول ۱ تحلیل روایی گویه‌های هویت ملی و هویت قومی

متغیر ضریب روایی	گرایش به زبان و ادبیات ملی	گرایش به میراث فرهنگی	گرایش به وابستگی ملی	گرایش به زبان و ادبیات قومی	گرایش به موسیقی سنتی قومی	گرایش به وابستگی قومی
Alpha (آلفا)	۰/۴۱۱۶	۰/۷۰۷۵	۰/۷۰۷۵	۰/۷۰۷۵	۰/۴۱۱۶	۰/۶۷۷۶
تعداد گویه	۳	۶	۶	۶	۳	۴

یافته‌های تحقیق

وضعیت جنسی پاسخگویان

جدول ۲ وضعیت جنسی پاسخگویان

جنسیت	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی
مرد	۲۲۵	۵۹/۲
زن	۱۵۵	۴۰/۸
کل	۳۸۰	۱۰۰

چنانکه در جدول مشاهده می‌شود از ۳۸۰ نفر تعداد کل پاسخگویان مورد مطالعه ۲۲۵ نفر مرد و ۱۵۵ نفر زن بودند که درصد هر یک از آنان نسبت به درصد کل پاسخگویان به ترتیب برای مردان ۵۹/۲ درصد برای زنان ۴۰/۸ درصد است.

وضعیت سواد پاسخگویان:

متغیر سواد در پنج سطح ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان، کارشناسی و کارشناسی ارشد و بالاتر قابل تقسیم است.

جدول ۳ وضعیت سواد پاسخگویان

وضعیت سواد	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی
ابتدایی	۱۱	۲/۹
راهنمایی	۳۱	۸/۲
متوسطه	۲۳۲	۶۱/۱
کارشناسی	۷۰	۱۸/۴
کارشناسی ارشد	۳	۰/۸
ذکر نشده	۳۳	۸/۷
کل	۳۸۰	۱۰۰

آزمون فرضیات

فرضیه ۱: رابطه میزان هویت ملی با میزان هویت قومی

برای بررسی رابطه این دو متغیر از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که در بین ۳۸۰ پاسخگوی مورد مطالعه، ضریب همبستگی بین دو متغیر با سطح $0/004 = \text{sig}$ برابر با $r = 0/161$ محاسبه شده است. از آنجایی که این سطح معنی‌داری از سطح معنی‌داری مورد نظر ($\alpha = 0/05$) کوچک‌تر است.

بنابراین نتیجه می‌گیریم که بین میزان هویت ملی و میزان گرایش به هویت قومی رابطه مثبت معنی‌داری وجود دارد و فرضیه تأیید می‌شود.

در کل با افزایش هویت قومی، میزان هویت ملی نیز افزایش پیدا می‌کند؛ چنان که در چارچوب نظری نیز مطرح شد و در طی فرایند جامعه‌پذیری هویت‌های جمعی گوناگون را درونی می‌کند، هویت ملی و هویت قومی نیز دو نوع هویت جمعی هستند که فرد آنها را درونی می‌کند. از بین انواع هویت‌هایی که درونی کرده است، تناقضی احساس نمی‌کند، بلکه از آنها به عنوان بسته‌های اطلاعاتی در موقعیت‌های کنش مقتضی سود می‌جوید.

فرضیه ۲: رابطه میزان هویت ملی با گرایش به زبان و ادبیات قومی

نتایج به دست آمده از آزمون ضریب همبستگی بین دو متغیر میزان هویت ملی با گرایش به زبان و ادبیات قومی، حاکی از این است که در بین ۳۸۰ پاسخگویی مورد مطالعه، میزان همبستگی بین دو متغیر با سطح معنی‌داری $0/001 = \text{sig}$ برابر با $r = 0/181$ از آنجا که از سطح معنی‌داری مورد نظر ($\alpha = 0/05$) کوچک‌تر است. بنابراین، نتیجه می‌گیریم که بین میزان هویت ملی و گرایش به زبان و ادبیات قومی رابطه مثبت معنی‌داری وجود دارد. بنابراین، فرضیه تأیید می‌شود.

فرضیه ۳. رابطه میزان هویت ملی با گرایش به موسیقی سنتی قومی

نتایج به دست آمده از آزمون ضریب همبستگی بین دو متغیر میزان هویت ملی با گرایش به موسیقی سنتی قومی بین این واقعیت است که در بین ۳۸۰ پاسخگوی مورد مطالعه میزان همبستگی بین دو متغیر با سطح معنی داری $\text{sig}=0/743$ برابر با $r=0/019$ از آنجا که سطح معنی داری مورد نظر ($\alpha=0/05$) بزرگ تر است یعنی بین میزان هویت ملی و گرایش موسیقی سنتی رابطه معنی داری وجود ندارد. در نتیجه فرضیه رد می شود.

یافته های تحقیق نشان می دهد که ضریب همبستگی میان ۲ متغیر میزان هویت قومی و وابستگی ملی با سطح معنی داری $\text{sig}=0/178$ برابر $r=0/074$ محاسبه شده است. از آنجا که این سطح معنی داری مورد نظر ما ($\alpha=0/05$) بزرگ تر است، بنابراین بین میزان هویت قومی و وابستگی ملی رابطه معنی داری وجود ندارد. در نتیجه فرضیه رد می شود.

جدول ۴ ضرایب همبستگی بین میزان گرایش به هویت ملی و هویت قومی

گرایش موسیقی سنتی قومی	گرایش به زبان و ادبیات قومی	میزان گرایش به هویت قومی	متغیر وابسته متغیر مستقل
$R=0/019$ $\text{Sig}=0/743$ $n=380$	$R=0/181$ $\text{Sig}=0/001$ $n=380$	$R=0/161$ $\text{Sig}=0/006$ $n=380$	میزان گرایش به هویت ملی

فرضیه ۴. رابطه میزان هویت قومی با گرایش به میراث فرهنگی

یافته های حاصل از آزمون ضریب همبستگی بین میزان هویت قومی و گرایش به میراث فرهنگی را نشان می دهد. میزان همبستگی با سطح معنی داری $\text{sig}=0/000$ برابر با $r=0/249$ می باشد. از آنجا که از سطح معنی داری مورد نظر ($\alpha=0/05$) کوچک تر است. بنابراین، بین میزان هویت قومی و گرایش به میراث فرهنگی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. پس فرضیه تأیید می شود.

فرضیه ۵. رابطه میزان هویت قومی با گرایش به زبان ادبیات ملی

یافته های تحقیق نشان می دهد که در بین ۳۸۰ پاسخگوی مورد مطالعه ضریب همبستگی بین دو متغیر میزان هویت قومی و گرایش به زبان ادبیات ملی با سطح معنی داری $\text{sig}=0/687$ برابر با $r=-0/02$ است. از آنجایی که این سطح معنی داری از سطح مورد نظر ما ($\alpha=0/05$)

بزرگ‌تر است بنابراین نتیجه می‌گیریم که بین میزان هویت قومی و گرایش به زبان و ادبیات ملی رابطه معنادار وجود ندارد در نتیجه فرضیه رد می‌شود.

فرضیه ۷. رابطه میزان هویت ملی با گرایش به وابستگی قومی

نتایج به دست آمده از آزمون ضریب همبستگی بین دو متغیر میزان هویت ملی و گرایش به وابستگی قومی مبین این واقعیت است.

که در بین ۳۸۰ پاسخگو، میزان همبستگی بین این دو متغیر با سطح معنی‌داری $\text{sig}=0/087$ برابر با $r=0/097$ از آنجا که سطح معنی‌داری از $(\alpha=0/05)$ کوچک‌تر است. بنابراین، نتیجه می‌گیریم که علاوه بر آن که تأثیر منفی بر روی هویت ملی ندارد، بلکه برخی از مؤلفه‌ها مانند زبان و تاریخ قومی تأثیر مثبتی بر هویت ملی دارند و با افزایش آنها میزان هویت ملی نیز افزایش می‌یابد. در نتیجه فرضیه تأیید می‌شود.

جدول ۵ ضرایب همبستگی بین میزان هویت قومی با مؤلفه‌های هویت ملی

وابستگی ملی	گرایش به زبان ادبیات ملی	گرایش به میراث فرهنگی	متغیر وابسته / متغیر مستقل
$R=0/097$ $\text{sig}=0/087$ $n=380$	$R=0/249$ $\text{Sig}=0/687$ $n=380$	$R=0/249$ $\text{Sig}=0/000$ $n=380$	میزان گرایش به هویت قومی

رابطه بین مؤلفه‌های هویت ملی با مؤلفه‌های هویت قومی

جدول ۶ اطلاعات مربوط به ضرایب همبستگی مؤلفه‌های هویت ملی و مؤلفه‌های قومی را به نمایش می‌گذارد. چنانکه مشاهده می‌کنیم بین زبان و ادبیات ملی و مؤلفه‌های هویت قومی تنها یک همبستگی مثبت معنی‌دار وجود دارد و آن رابطه این متغیر با زبان و ادبیات قومی است که رابطه مثبت ($R=0/130$) است. بین زبان و ادبیات ملی و وابستگی قومی نیز رابطه ضعیفی وجود دارد. بین مؤلفه‌های میراث فرهنگی ملی و تمامی مؤلفه‌های هویت قومی همبستگی مثبت وجود دارد میزان همبستگی میراث فرهنگی ملی با زبان و ادبیات قومی $0/191$ ، موسیقی قومی $0/134$ ، وابستگی قومی $0/158$ است.

بررسی روابط بین مؤلفه‌های هویت ملی و مؤلفه‌های هویت قومی نشان می‌دهد که بین این مؤلفه‌ها نیز رابطه منفی وجود ندارد و تنها یک مورد رابطه منفی هست آن هم رابطه بین زبان و ادبیات ملی و وابستگی قومی است که میزان این رابطه بسیار ضعیف است. از این بررسی نیز می‌توان به این نتیجه رسید که افراد بین هویت ملی و قومی خودشان تناقضی درک نمی‌کنند و

این قضیه در مورد آن مؤلفه‌هایی نیز صادق است که افراد به وسیله آنها به تشابهات و تفاوت‌های درون گروهی و برون گروهی در دو لایه مختلف اجتماعی (لایه جامعه ملی و لایه جامعه قومی) پی می‌برند.

جدول ۶ ضرایب همبستگی مؤلفه‌های هویت ملی و مؤلفه‌های هویت قومی

وابستگی قومی	موسیقی قومی	زبان و ادبیات و قومی	هویت قومی هویت ملی
R=-0/163 Sig=%02 n=380	R=-%93 Sig=%75 (n=(380	R=0/130 Sig=%13 (n=(380	زبان و ادبیات ملی
R=0/158 Sig=0/003 n=380	R=0/134 Sig=0/011 n=380	R=0/191 Sig=0/000 n=380	میراث فرهنگی ملی
R=0/066 Sig=0/214 n=380	R=-0/012 Sig=0/826 n=380	R=0/060 Sig=0/263 n=380	وابستگی ملی

نتیجه‌گیری

نتایج به دست آمده از آزمون ضریب همبستگی بین دو متغیر میزان هویت ملی و میزان هویت قومی، مبین این واقعیت است که بین این دو متغیر رابطه مثبت ولی ضعیف معنی‌داری وجود دارد. بدین معنی که با تقویت میزان هویت قومی، هویت ملی نیز تا حدودی در بین افراد تقویت می‌شود. نتایج آزمون فرضیه رابطه بین هویت ملی با زبان و ادبیات قومی نشان داد که بین این دو متغیر رابطه مثبت و ضعیف معنی‌داری وجود دارد. بدین معنی که با تقویت زبان و ادبیات قومی میزان هویت ملی نیز تا حدودی در بین افراد تقویت می‌شود.

- نتایج آزمون فرضیه رابطه میان هویت ملی با موسیقی سنتی قومی نشان داد که رابطه معنی‌داری بین این دو متغیر وجود ندارد.

- نتایج تحقیق حاکی از آن است که بین میزان هویت ملی و وابستگی قومی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

- نتایج تحقیق حاکی از آن است بین میزان هویت قومی و گرایش به میراث فرهنگی رابطه مثبت ولی ضعیف معنی‌داری وجود دارد. یعنی با افزایش گرایش به میراث فرهنگی ملی میزان هویت قومی نیز هرچند در حد ضعیف تقویت می‌شود.

- نتایج آزمون فرضیه رابطه میزان هویت قومی با زبان و ادبیات ملی حاکی از آن است که بین این دو متغیر رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

نتایج این تحقیق نشان داد که جوانان قوم لر دارای گرایش قوی به هویت ملی هستند و در عین حال به هویت قومی نیز گرایش دارند. این بررسی ثابت کرد که در بین هویت ملی و هویت قومی نه تنها رابطه منفی وجود ندارد، بلکه رابطه مثبتی نیز بین این دو نوع هویت جمعی وجود دارد و با افزایش میزان هویت قومی بر میزان گرایش افراد به هویت ملی افزوده می‌شود. بنابراین دو نوع هویت جمعی ملی، قومی نه در مقابل هم، بلکه در کنار هم قرار دارند. حقوق قومیت‌ها و اقلیت‌ها یکی از مسائل اساسی جامعه است. به دلیل وجود یک پیش‌داوری وجود رابطه معکوس بین هویت ملی و هویت قومی، همواره سعی می‌شود با تضعیف هویت‌های قومی هویت ملی تقویت شود. ولی این دو نوع طرز تفکر و برنامه‌ریزی در جهت همانندسازی^۱ نارضایتی قومیت‌ها را افزایش می‌دهد و نه تنها هویت ملی در بین آنها را تقویت نمی‌کند بلکه در تضعیف آن نیز نقش اساسی دارد. همان‌طور که نتایج نیز نشان می‌دهد یک سری از عوامل اجتماعی و سیاسی روان‌شناختی بر میزان هویت ملی و هویت قومی افراد مؤثر می‌باشد، لذا بررسی دقیق و همه‌جانبه این عوامل می‌تواند ما را در رسیدن به یک نظریه عمومی و واقع‌گرایانه یاری کرده و بسیاری از ابهامات موجود را روشن کند. همچنین بررسی مقایسه‌ای سیاست‌های قومی همانندسازی و تکثرگرایی و نتایج آن در جوامعی که از این سیاست‌ها برای رسیدن به نوعی انسجام استفاده کرده‌اند و نیز بررسی سیاست‌های قومی ایران در دوره‌های مختلف می‌تواند برنامه‌ریزان سیاسی را در رسیدن به یک برنامه منطقی و متناسب با ویژگی‌های فرهنگی جامعه‌مان یاری می‌رساند و باعث انسجام و وحدت و یک‌پارچه شدن جامعه می‌شود.

منابع

- احمدی، حمید (۱۳۷۸) قومیت و قوم‌گرایی در ایران، افسانه و واقعیت، تهران، نشر نی.
- ادیبی، ح و ح انصاری (۱۳۵۸) نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، جامعه.
- اسمیت، آنتونی (۱۳۷۷) «منابع قومی ناسیونالیسم»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال اول، پیش شماره اول، ۲۰۶-۱۸۳.
- اشرف، احمد (۱۳۷۲) «هویت ایرانی»، گفتگو، سال اول شماره ۲: ۷-۲۶.
- اشرف، احمد (۱۳۷۳) «بحران هویت ملی و قومی در ایران»، ایران نامه، سال ۱۲، شماره ۳، ۲۵۰-۲۲۱.
- الطائی، علی (۱۳۷۸) بحران هویت قومی در ایران، تهران، شادگان.
- ایوبی، حجت‌الله (۱۳۷۷) «نقد نظریه‌های غرب محور در توسعه سیاسی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره ۲.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۶) «کلمه نهایی، شکل‌گیری گفتمان‌های هویت در ایران»، نامه پژوهش، سال دوم، شماره ۷، ۷۰-۴۱.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۴) «روایت غیرت و هویت در میان ایرانیان»، فرهنگ گفتمان، تهران.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۵) هویت اجتماعی، ترجمه تورج یاراحمدی، شیراز.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۲) وفاق اجتماعی، نامه علوم اجتماعی، دوره جدید، جلد ۲، شماره ۳، ۲۸-۱۵.
- روشه گی (۱۳۷۶) جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، تبیان.
- گیبرنا، م (۱۳۷۸) مکاتب ناسیونالیسم، ترجمه امیر مسعود اجتهادی، تهران، وزارت امور خارجه.
- مارجر، مارتین (۱۳۷۷) «سیاست قومی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال اول، پیش شماره اول ۱۸۲-۱۵۳.
- معین، محمد (۱۳۷۱) فرهنگ فارسی، جلد چهار، هشتم، تهران، امیرکبیر.
- معین، محمد (۱۳۷۶) نظریه‌های روابط قومی، مرکز مطالعات ملی.

Ashre, Ft B & Griffiths, G & Tiffin H. (1998) Key Concepts in Post Colonialial Studies, London.

Eriksen, Thomas H. (1993) Ethnecity and Nationalisim London Pluto Press.